

قانون منع مداخله مورد بررسی قرار خواهد گرفت.



لایحه قانونی راجع به منع مداخله وزراء و نمایندگان مجلسین و کارمندان دولت در معاملات دولتی و کشوری مصوب دوم دیماه یکهزار و سیصد و سی و هفت، مشتمل بر چهار ماده و پنج تبصره است. در این قانون احکامی دایر بر ممنوعیت شرکت کارکنان دولت در معاملات دولتی یا دایری در دعای با دولت، مجلس، شهرداریها و سایر مؤسسات دولتی وارد گردیده است.

وجه ارتباط قانون مذکور با شرکتهای تعاونی در آن است که علاوه بر ممنوعیت ورود اشخاص یادشده به معاملات و داوریهای مورد نظر، شرکتهای و مؤسساتی نیز که در ترکیب سهامداران خود نصاب خاصی از اشخاص مذکور را دارند مشمول این ممنوعیتها میباشند. طبعاً عموم و اطلاق واژه شرکتهای و مؤسسات، مندرج در مقررات این قانون، شرکتهای تعاونی را نیز تحت سیطره خود قرار می دهد. البته استثنائاتی نیز در این رابطه وارد گردیده، منجمله مستثنی بودن شرکتهای تعاونی کارمندان مؤسسات و ادارات مذکور در این قانون از ممنوعیتهای یادشده.

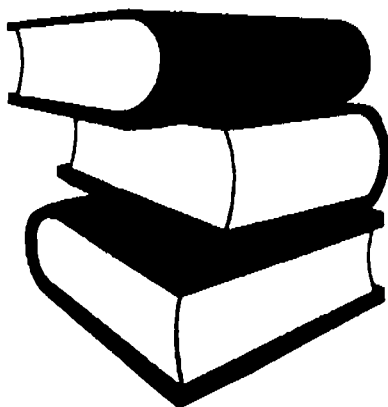
فلسفه وضع قانون منع مداخله را می توان جلوگیری از سوءاستفاده های احتمالی کارکنان دولت از معاملات و داوریهای دولتی، پرهیز از اعمال نفوذ ناشی از موقعیتهای شغلی، محور زمینه های تضييع حقوق دولت و منافع عمومی، تضمین سلامت معاملات و امور اقتصادی دولت و بالمآل ایجاد یک نظام اداری و اقتصادی صحیح دانست.

ماده اول این قانون می گوید: از تاریخ تصویب این قانون اشخاص زیر:

- ۱- نخست وزیر - وزیران - معاونین و نمایندگان مجلسین.
- ۲- سفرا - استانداران - فرمانداران کل - شهرداران و نمایندگان انجمن شهر.
- ۳- کارمندان و صاحبمنصبان کشوری و لشگری و شهرداریها و دستگاههای وابسته به آنها.
- ۴- کارکنان هر سازمان یا بنگاه یا شرکت یا بانک یا هر مؤسسه دیگر که

پژشش و پاسنه

حقوقی



بررسی قوانین و مقررات مرتبط با بخش تعاون

احمد رضا فخاری

قسمت اول:

لایحه قانونی راجع به منع مداخله وزراء و نمایندگان مجلس و کارمندان دولت در معاملات دولتی و کشوری

اشاره

در زمینه قوانین و مقررات حاکم بر بخش تعاون، علاوه بر قوانینی که بطور خاص در مورد شرکتهای تعاونی وضع گردیده و در واقع موجودیت بخش و نحوه ایجاد و اداره تشکیلات و تأسیسات آن را دربر دارند مانند قانون بخش تعاونی اقتصاد جمهوری اسلامی ایران و قانون شرکتهای تعاونی مصوب سال ۱۳۵۰، به قوانین دیگری برمی خوریم که یا به جهت دارا بودن احکام و مقررات خاص در مورد شرکتهای تعاونی و یا به دلیل عمومیت و وسعت دایره شمول آنها، بنوعی مقررات حاکم بر بخش تعاون محسوب می گردند. این قوانین از حیث درجه اهمیت، کمتر از قوانین نوع اول نیستند و شاید برخی از آنها را بتوان به اعتبار حساسیت و ضمانت اجرای ناشی از عدم رعایشان در مرتبه بالاتری قرار داد. قوانینی چون:

قانون ممنوعیت تصدی بیش از یک شغل مصوب سال ۱۳۷۳ (ناظر بر اصل ۱۴۱ قانون اساسی)، قانون خدمت وظیفه عمومی مصوب سال ۱۳۶۳، قانون محاسبات عمومی کشور مصوب سال ۱۳۶۶، قانون مالیاتها، قانون کار، قانون استخدام کشوری و... در زمره این مقررات هستند.

اطلاع و آگاهی دست اندرکاران بخش تعاون از این قوانین و مقررات، خواه در مقام اجراء و خواه در مرتبه نظارت امری ضروری بشمار می آید و عدم اطلاع از آنها، نتایج منفی و گاه پیامدهای سوء گرانباری را می تواند بدنبال داشته باشد. از اینرو برآن شدیم تا برخی از شماره های ماهنامه را به بررسی هر چند اجمالی این مقررات اختصاص دهیم. در شماره ۱۳۱، مقررات قانون خدمت وظیفه عمومی در خصوص شرکتهای تعاونی از نظر مخاطبین محترم گذشت. در این شماره نیز مقررات «لایحه قانونی راجع به منع مداخله وزراء و نمایندگان مجلسین و کارمندان دولت در معاملات دولتی و کشوری مصوب سال ۱۳۳۷ (معروف به

ماهیت و نوع فعالیتشان از مقررات این قانون مستثنی نشده است مشروط بر آنکه معاملات آنها صرفاً در امور مربوط به تعاون باشد. این استثناء بدان دلیل است که با ورود این نوع شرکتها به معاملات دولتی تقریباً امکان بروز مفاسد یادشده منتفی است. تبصره ۲ ماده اول قانون منع مداخله در این مورد اشعار می‌دارد: «شرکتهای تعاونی کارمندان مؤسسات مذکور در این ماده در امور مربوط به تعاون از مقررات این قانون مستثنی هستند.»

در خصوص اینکه «شرکتهای تعاونی کارمندان مؤسسات» به کدام نوع از تعاونیها اطلاق می‌گردد، ابهاماتی وجود دارد. این ابهامات صرفاً مربوط به قانون منع مداخله نیست بلکه در سایر قوانینی نیز که بنوعی این اصطلاح را در بردارند، مشاهده می‌شود، مانند اصل ۱۴۱ قانون اساسی^۱، قانون ممنوعیت تصدی بیش از یک شغل مصوب ۱۳۷۳ و ماده ۵۲ قانون استخدام کشوری^۲.

مهمترین سؤالی که در این زمینه وجود دارد آن است که آیا صرف تشکیل یک شرکت تعاونی با ترکیب کارمندان دولت، آن را در زمره تعاونیهای مؤسسات قرار می‌دهد یا اینکه بایستی از نظر نوع فعالیت هم دارای شرایط خاص باشند؟

در بادی امر ممکن است اینگونه متبادر به ذهن شود که مطلق بودن عبارت «شرکتهای تعاونی ادارات و مؤسسات»، دلیلی بر عدم انحصار آنها در نوع خاصی است. به عبارت دیگر چون مقنن، این تعاونیها را مقید به نوع یا موضوع فعالیت خاصی ننموده لذا شامل انواع شرکتهای تعاونی می‌شود.

این برداشت گرچه با ظاهر قانون سازگار است اما غفلت از اراده قانونگذار و سایر مقررات در این زمینه را به همراه دارد.

اصل حکمت و منطق قانونگذار ایجاب می‌کند که دلائل والا تر و مهمتری از صرف ترکیب اعضاء این نوع شرکتها را برای وضع استثناء یاد شده در نظر آوریم. در غیر این صورت نتیجه آن خواهد شد که هر نوع معامله دولتی که ورود در آن برای کارکنان دولت ممنوع و باطل است، انجام

و سازمانها و یا سایر مؤسسات مذکور در این قانون که این اشخاص در آن سمت وزارت یا معاونت یا مدیریت دارند وارد معامله یا داوری شوند.»

قانونگذار در تبصره ۳ این ماده منظور از معامله را چنین بیان می‌کند:

«۱- مقاطعه کاری (باستثناء معاملات محصولات کشاورزی ولو اینکه از طریق مقاطعه انجام شود).

۲- حق العمل کاری

۳- اکتشاف و استخراج و بهره‌برداری (باستثنای معادن طبقه اول مندرج در قانون معادن و همچنین نمک طعام که معادن مذکور در ملک شخصی آنها واقع است).

۴- قرارداد نقشه‌برداری و قرارداد نقشه‌کشی و نظارت در اجرای آن.

۵- قرارداد مطالعات و مشاورات فنی و مالی و حقوقی.

۶- شرکت در مزایده و مناقصه.

۷- خرید و فروش‌هاییکه باید طبق قانون محاسبات عمومی یا مناقصه و یا فرامین انجام شود هر چند بموجب قوانین دیگر از مناقصه و مزایده استثناء شده باشد.»

براساس تبصره ۴، معاملات اجناس و کالاهای انحصاری دولت و امور مطبوعاتی دولت و شهرداریها از موضوع این قانون مستثنی گردیده‌اند.

چنانکه ملاحظه شد مطابق بندهای ۷ و ۸ و تبصره ۱ ماده اول، شرکتهای مؤسساتی که کارکنان دولت یا سایر اشخاص مصرحه در قانون با نصاب خاصی در ترکیب سهامداران سرمایه‌گذاران یا صاحبان منافع، مدیریت، نظارت یا بازرسی آنها باشند، از ورود در معاملات دولتی و یا داوری در دعاوی با دولت ممنوع هستند.

عموم و اطلاق این مقررات شامل شرکتهای تعاونی نیز می‌باشد بعنوان مثال چنانچه در یک شرکت تعاونی پنج درصد یا بیشتر سهام یا سرمایه یا منافع آن متعلق به یکی از کارکنان دولت باشد، ورود چنین شرکتی به معاملات دولتی ممنوع است. البته قانونگذار برخی از انواع شرکتهای تعاونی یعنی تعاونیهای کارمندان مؤسسات مذکور را به جهت

اکثریت سهام یا اکثریت منافع یا مدیریت یا اداره کردن یا نظارت آن متعلق به دولت یا شهرداریها و یا دستگاههای وابسته به آنها باشد.

۵- اشخاص که بنحوی از انحاء از خزانه دولت یا مجلسین یا مؤسسات مذکور در بالا حقوق یا مقرری یا حق الزحمه یا پاداش و یا امثال آن بطور مستمر (باستثناء حقوق بازنشستگی و وظیفه مستمری قانونی) دریافت می‌دارند.

۶- مدیران و کارکنان دستگاههای خیریه‌ای که از دولت یا از شهرداریها کمک مستمر دریافت می‌دارند.

۷- شرکتهای و مؤسساتی که پنج درصد یا بیشتر سهام یا سرمایه یا منافع آن متعلق به چند نفر از اشخاص مذکور در فوق باشد و یا اینکه نظارت یا مدیریت و یا اداره و یا بازرسی مؤسسات مذکور با آنها باشد (باستثناء شرکتهای مؤسساتی که تعداد صاحبان سهام آن یکصد و پنجاه نفر و یا بیشتر باشد مشروط بر اینکه هیچیک از اشخاص مذکور در فوق بیش از پنج درصد از کل سهام آن را نداشته و نظارت یا مدیریت یا اداره و یا بازرسی آن با اشخاص مذکور در فوق نباشد).

۸- شرکتهایی که اکثریت سهام یا منافع آنها متعلق به شرکتهای مندرج در بند ۷ باشد نمیتوانند (اعم از اینکه در مقابل خدمتی که انجام می‌دهند حقوق و یا مالی دریافت دارند یا آنکه آن خدمت را بطور افتخاری و رایگان انجام دهند) در معاملات یا داوری در دعاوی با دولت یا مجلسین یا شهرداریها یا دستگاههای وابسته به آنها و یا مؤسسات مذکور در بند ۴ و ۶ این ماده شرکت نمایند اعم از اینکه دعاوی مزبور در مراجع قانونی مطرح شده یا نشده باشد (باستثنای معاملاتی که قبل از تصویب این قانون قرار داد آن منعقد شده باشد).

در تبصره ۱ این ماده نیز آمده است: «پدر و مادر و برادر و خواهر و زن یا شوهر و اولاد بلافصل و عروس و داماد اشخاص مندرج در این قانون و همچنین شرکتهای و مؤسساتی که اقرباء فوق‌الذکر بنحو مندرج در بند ۷ و ۸ در آن سهم یا دارای سمت باشند نمیتوانند با وزارتخانه‌ها و یا بانکها و یا شهرداریها

همان معامله باطل و فاسد در قالب شرکت تعاونی مباح می‌باشد!

یکی از حقوقدانان در مورد عبارت «شرکتهای تعاونی ادارات و مؤسسات» مندرج در اصل ۱۴۱ قانون اساسی می‌گوید: «شرکتهای تعاونی کارمندی ادارات و مؤسسات از موارد استثناء ممنوعیت جمع مشاغل در نظر گرفته شده است. کارکنان دستگاههای دولتی و مؤسسات عمومی اصولاً از حقوقی برخوردارند که در تأمین آسایش و رفاه آنها مؤثر است. یکی از این موارد تأسیس مؤسسات تعاونی کارکنان می‌باشد... این شرکتها چون غیرتجاری هستند، اصولاً در مظان سوءاستفاده‌هایی که نوعاً متوجه شرکتهای تجاری می‌شود، قرار نمی‌گیرند. بدین دلیل، اصل یکصد و چهل و یکم آنها را مورد استثناء قرار داده است.»^۵

یکی دیگر از حقوقدانان در رابطه با واژه مذکور مندرج در تبصره ۲ ماده اول قانون منع مداخله بیان می‌دارد: «معمولاً هسر اداره دولتی برای تأمین مایحتاج ضروری کارکنان تحت امر، تعاونی مصرف تشکیل و سهامداران این تعاونی که در قالب قانون شرکتهای تعاونی تشکیل گردیده همان کارمندان هستند یعنی صد در صد سهام متعلق به کارمندان است.

چنانچه این تعاونی با اداره دولتی یا شرکت دولتی قرار داد و معامله‌ای منعقد تا در جهت اهداف تعاونی مایحتاج ضروری اعضا را خریداری و بین آنها تقسیم یا به آنها بفروشد این معامله مشمول ممنوعیت مذکور در لایحه قانون منع مداخله نمی‌باشد.»^۶

در تأکید این برداشت که قانونگذار مدلول خاصی را از عبارت «شرکتهای تعاونی ادارات و مؤسسات در نظر داشته و موضوع فعالیت این نوع شرکتها صرفاً امور رفاهی کارمندان و تأمین مایحتاج آنهاست. علاوه بر آنچه گفته شد، قوانین و مقررات دیگری چون قانون نحوه ایجاد تسهیلات رفاهی برای کارکنان دولت مصوب ۶۷/۱/۲۸، آئین نامه اجرایی قانون مذکور مصوب ۶۸/۱/۲۸ و آئین نامه نحوه همکاری و کمک دولت و مؤسسات تعاونی مستخدمین رسمی موضوع ماده ۵۲ قانون استخدام کشوری

مصوب ۱۳۶۲/۹/۲۳ قابل ملاحظه است.

علی‌الحال با توجه به آنچه گذشت شرکتهای تعاونی (به استثناء شرکتهای تعاونی کارمندان مؤسسات مذکور)، در صورت دارا بودن شرایط بندهای ۷ و ۸، تبصره ۱ ماده اول قانون منع مداخله، حق ورود به معاملات دولتی یا داوری با دعاوی با دولت یا مجلس یا شهرداریها یا دستگاههای وابسته به آنها و یا مؤسسات مذکور در بند ۴ و ۶ ماده اول نداشته و در صورت مبادرت به چنین امری، اقدام آنها مشمول ضمانت اجرای مقرر در ماده دوم قانون مذکور خواهد بود. این ماده در خصوص ضمانت اجراها چنین مقرر می‌دارد: «اشخاصی که برخلاف مقررات ماده فوق شخصاً و یا بنام و یا واسطه اشخاص دیگر مبادرت به انجام معامله نمایند و یا بعنوان داوری در دعاوی فوق‌الاشعار شرکت کنند و همچنین هر یک از مستخدمین دولتی اعم از کشوری و لشگری و سایر اشخاص مذکور در ماده فوق در هر رتبه و درجه و مقامی که باشند هرگاه برخلاف مقررات این قانون عمل نمایند، به حبس مجرد از دو تا چهار سال محکوم خواهند شد و همین مجازات برای مسئولین شرکتها و مؤسسات مذکور در بند ۷ و ۸ ماده اول که با علم و اطلاع، بستگی و ارتباط خود و یا شرکاء را در موقع تنظیم قرارداد و انجام معامله اظهار نمایند نیز مقرر است و معاملات مزبور باطل بوده و متخلف شخصاً و در صورت تعدد متضامناً مسؤول پرداخت خسارات ناشی از آن معامله یا داوری و ابطال آن می‌باشد.»

چنانکه ملاحظه می‌شود، مقنن دو نوع ضمانت اجراء برای مقررات این قانون وضع نموده است. یکی ضمانت اجرای کیفری و دیگری ضمانت اجرای مدنی. ضمانت اجراء کیفری مداخله در معاملات دولتی، حبس از دو تا چهار سال و ضمانت اجراء مدنی آن بطلان معامله و پرداخت خسارات ناشی از آن معامله یا داوری و یا ابطال آن است.

در مورد این قانون علاوه بر موارد فوق‌الذکر، نکاتی چند قابل توجه است:

۱- با توجه به اینکه در زمان تصویب

قانون مذکور دو مجلس شورای ملی و مجلس سنا وجود داشته است، در عنوان قانون و بند ۱ ماده اول آن، عبارت نمایندگان مجلسین بکاربرده شده و در زمان فعلی نمایندگان مجلس شورای اسلامی مورد نظر است.

۲- در خصوص اجاره دادن محلی به دولت، اداره حقوقی فوه قضائیه طی نظریه شماره ۷/۸۶۱ مورخ ۷۳/۲/۱۷ اعلام داشته است «معاملاتی که اشخاص مذکور در ماده اول لایحه قانونی راجع به منع مداخله وزراء و نمایندگان مجلسین و کارمندان دولت در معاملات دولتی و کشوری ممنوع از انجام آن می‌باشند، در تبصره ۳ ماده مزبور احصاء شده و اجاره اموال (اعم از منقول و غیر منقول) به لحاظ منصوص بودن موارد ممنوع و منظور از معاملات مندرج در آن قانون از شمول آن خارج است.»^۷

۳- «منع از ورود در معاملات دولتی شامل موارد ذیل نمی‌شود:

اولاً موردی که قانون افراد را ملزم بفروش مال خود به دولت یا مؤسسات کشوری یا بلدی کند چنانکه کارمند دولت، خانه خود را به ضرورت توسعه معابر به شهرداری بفروشد.

ثانیاً - در موارد معاملاتی که منحصر به کارمند دولت باشد و اجرای ضوابط ماده ۳-۴-۵ آئین نامه دولتی میسر نباشد ممنوعیت وجود ندارد مثل اینکه دارائی محل نیاز به اجاره خانه بزرگی دارد و تنها خانه بزرگ محل، ملک یک کارمند دولت است. از همین قبیل است کتبی که مؤلفان (مأمور دولتی) می‌نویسند و دانشگاهها یا وزارتخانه‌ای آنها را چاپ می‌کند و حق‌التألیف به مؤلف می‌دهد.»

پرسش و پاسخ حقوقی

■ پرسش: سؤالات زیر توسط یکی از کارشناسان محترم تعاون مطرح گردیده که با ذکر هر مورد به پاسخگویی آنها می‌پردازیم:

موارد می‌باشد. در اینخصوص می‌توان کلیه موارد دستور جلسه را که نیازمند رأی‌گیری است، در تعرفه‌های رأی وارد نموده و اعضاء، رأی خود را مقابل هر مورد ابراز نمایند. در انتهای جلسه نیز آراء مأخوذه را شمارش نمود. در این روش امکان ثبت و ضبط کلیه تصمیمات نیز بر راحتی وجود داشته، استناد به مدارک مذکور را برای رفع تردیدهای احتمالی بعدی امکانپذیر می‌نماید.

پی‌نوشت‌ها:

- ۱- در همین زمینه مقررات دیگری چون ماده ۶۰۳ قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۷۵. (موضوع تحصیل منفعت در معاملات دولتی)، قانون مجازات تبانی در معاملات دولتی مصوب سال ۱۳۴۸ و قانون ممنوعیت اخذ پورسانت در معاملات خارجی مصوب سال ۱۳۷۲ وضع گردیده است.
- ۲- در اصل ۱۶۱ قانون اساسی آمده است: رئیس جمهور، معاونان رئیس جمهور، وزیران و کارمندان دولت نمی‌توانند بیش از یک شغل دولتی داشته باشند و داشتن هر نوع شغل دیگر در مؤسساتی که تمام یا قسمتی از سرمایه آن متعلق به دولت یا مؤسسات عمومی است و نمایندگی مجلس شورای اسلامی و وکالت دادگستری و مشاوره حقوقی و نیز ریاست و مدیریت عامل یا عضویت در هیأت مدیره انواع مختلف شرکتهای خصوصی، جز شرکتهای تعاونی ادارات و مؤسسات برای آنان ممنوع است....»
- ۳- تبصره ۴ قانون ممنوعیت تصدی بیش از یک شغل مصوب سال ۱۳۷۳ نیز تکرار اصل ۱۶۱ قانون اساسی است.
- ۴- ماده ۵۲ قانون استخدام کشوری مقرر می‌دارد: «دولت مکلف است تأسیس مؤسسات تعاونی مستخدمان رسمی را تشویق و با مؤسسات مذکور همکاری و نسبت به آنها کمک لازم را بنماید.»
- ۵- دکتر سید محمد هاشمی - حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران - تهران - نشر دادگستری - ۱۳۷۷ - جلد دوم - ص ۲۳
- ۶- علی مهاجرى - جرائم خاص کارکنان دولت - تهران - انتشارات مؤسسه کیهان - ۱۳۷۹ - ص ۲۰۳.
- ۷- غلامرضا شهری، سروش ستوده جهرمی - نظریات اداره حقوقی قوه قضائیه در زمینه مسائل کیفری - انتشارات روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران - ۱۳۷۵ - جلد دوم - ص ۴۸۱.
- ۸- دکتر محمدجعفر جعفری لنگرودی - نرینولوژی حقوق - تهران - کتابخانه گنج دانش - ۱۳۶۸ - ص ۶۶۱.

بدیهی است در صورت تشکیل تعاونی اعتبار برای کارکنان و اساتید یک دانشگاه نیز، عضویت دانشجویان در این تعاونی بلحاظ قانونی با ایراد روبرو است.

■ پرسش: با توجه اصلاح بند ۱۷ ماده ۶۶ قانون بخش تعاونی اقتصاد جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۳۷۷، مستند قانونی حسابرسی از شرکتهای و اتحادیه‌های تعاونی توسط وزارت تعاون چیست؟

● پاسخ: در خصوص حسابرسی از تعاونیها هرچند بند ۱۷ ماده ۶۶ قانون بخش تعاونی در سال ۱۳۷۷ اصلاح و عبارت حسابرسی از تعاونیها در صورت تقاضا و شکایتیهای اعضاء در حدود امکانات از این ماده حذف گردید. اما با توجه به اعتبار مقررات غیرمغایر قانون شرکتهای تعاونی مصوب سال ۱۳۵۰ (بدلالت مفهوم مخالف ماده ۷۱ قانون بخش تعاون) در حال حاضر نیز به استناد ماده ۱۳۹ قانون مذکور، حسابرسی از تعاونیها جزء اختیارات وزارت تعاون می‌باشد. علاوه بر این در شق دوم ماده ۵۶ اساسنامه شرکتهای تعاونی و ماده ۵۰ اساسنامه اتحادیه‌های تعاون، شرکتهای و اتحادیه‌ها ضمن تصویب اساسنامه متعهد می‌گردند با کارشناسان، حسابرس یا حسابرسان منتخب وزارت تعاون همکاری نمایند.

■ پرسش: کارشناس محترم یکی از ادارات تابعه ضمن طرح این ایراد که رأی‌گیری با قیام و قعود در مجامع عمومی (موضوع قسمت اخیر ماده ۱۱ آئین‌نامه نحوه تشکیل مجمع عمومی) امکان احتساب آراء وکالتی را منتفی می‌نماید، خواستار پاسخگویی و ارائه راه حل مناسب در این زمینه شده‌اند.

● پاسخ: ایراد مطروحه از سوی این کارشناس محترم کاملاً صحیح و منطقی است زیرا در روش رأی‌گیری با قیام و قعود اساساً نمی‌توان رأی با وکالت را اعمال نمود. بعنوان مثال فردی که علاوه بر رأی خود دارای دو وکالتنامه نیز می‌باشد، صرفاً می‌تواند همان رأی خود را از این طریق ابراز نماید. لذا بنظر می‌رسد راه حل مناسب، اصلاح ماده ۱۱ آئین‌نامه نحوه تشکیل مجامع عمومی و الزام تعاونی‌ها به رأی‌گیری کتبی در تمامی

با توجه به اینکه مطابق ماده ۴۸ قانون بخش تعاونی اقتصاد جمهوری اسلامی ایران، و اعضاء هیأت مدیره اتحادیه‌های تعاونی به پیشنهاد تعاونیهای عضو و تصویب مجمع عمومی انتخاب می‌شوند، آیا حقوق و مزایای دریافتی آنان متعلق به تعاونی مربوطه است؟

○ پاسخ: هرچند اعضاء هیأت مدیره اتحادیه بنا به پیشنهاد تعاونیهای عضو انتخاب می‌گردند، اما این اشخاص سمت نمایندگی تعاونیهای معرفی‌کننده را نداشته و صرفاً عضو هیأت مدیره اتحادیه تلقی می‌گردند لذا حقوق و مزایای دریافتی آنان نیز به اعتبار عضویت در هیأت مدیره است. از سوی دیگر حق الزحمه پرداختی بابت تلاش فعالیت افراد مذکور در سمت هیأت مدیره است و حق بهره‌مندی از آن نیز مختص خودشان است و تعاونی معرفی‌کننده نمی‌تواند مدعی حقی در این مبالغ پرداختی باشد.

■ پرسش: آیا در شرکتهای و اتحادیه‌های تعاونی می‌توان علاوه بر انتخاب مدیر عامل، فردی را نیز بعنوان قائم مقام مدیر عامل منصوب و به وی اختیاراتی را تفویض نمود؟

پاسخ: با عنایت به اینکه کلیه سمتها و مسؤولیتهای اداره امور شرکتهای و اتحادیه‌های تعاونی به همراه شرح وظائف و اختیارات آنان در مقررات قانونی بخش تعاون وارد گردیده و ایجاد هرگونه سمتی نیازمند مأخذ و مبنای قانونی است، بنابراین انتخاب فردی بعنوان قائم مقام مدیر عامل و جاهدت قانونی نداشته و در صورت تفویض مسؤولیت به چنین فردی، نمی‌توان آثار و ارزش حقوقی برای اقدامات وی قائل بود.

■ پرسش: آیا تشکیل شرکت تعاونی اعتبار برای دانشجویان یک دانشگاه مجاز می‌باشد؟

● پاسخ: از آنجا که مطابق ماده ۸۴ قانون شرکتهای تعاونی مصوب سال ۱۳۵۰ شرکت تعاونی اعتبار بین افراد گروههای شغلی مختلف تشکیل می‌شود و اطلاق عنوان "گروه شغلی" به دانشجویان امکانپذیر نیست لذا تشکیل شرکت تعاونی اعتباری برای آنان مجاز نمی‌باشد